روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۰ • ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ • ۳ ژانویه ۲۰۲۲
سال نوزدهم • شماره ۴۱۸۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۷:۲۳
اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

خلیج گرگان در حال نابودی است و تاکنون بیش از ۱۴ هزار هکتار آن خشک شده است. عکس: محمد عطایی، مهر

زمین سبز

آیا راهی برای حفظ آب‌ها وجود دارد؟

زهرا مشتاق

حکمرانی را می‌توان در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد؛ حکمرانی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بسیاری شاخه‌های دیگر. یکی از مهم‌ترین کارایی علم حکمرانی، بررسی چگونگی استفاده از انرژی‌های پاک و نیز چگونگی مدیریت آب در کشور نیمه‌خشکی همچون ایران است. کشوری که برخی از استان‌های آن مانند کرمان و سیستان‌وبلوچستان، بالغ بر ۲۰ سال است گرفتار خشک‌سالی شده و تبعات این دوره طولانی، به‌طور مستقیم، نه‌تنها موجب ایجاد فقر فرهنگی و اقتصادی در زندگی مردم آن نواحی شده، بلکه تنها حرفه آنها را که اغلب تک‌شغلی و وابسته به زمین است، دچار ورشکستگی یا نابودی کامل کرده است.

بعد از سیل سال ۹۸ که می‌شود گفت در تمام کشور فراگیر شد، همچون بسیاری از بحران‌های دیگر مدیریت مؤثری برای آن صورت نگرفت و به همان سرعتی که پدید آمد، به همان سرعت نیز ناپدید شد. سیل فاجعه‌ای طبیعی و ویرانگر است که از وقوع آن نمی‌توان جلوگیری کرد، اما امکان مدیریت آن وجود دارد. آنچه موجب تأسف بسیاری از کارشناسان شد، هدررفت این آب شیرین هدیه‌شده از آسمان بود. انبوهی آب شیرین که در چشم برهم‌زدنی بخار شد و جز خساراتی فراوان هیچ حاصل دیگری نداشت. نکته غم‌بار آن است که می‌توانست نتیجه و حاصلی داشته باشد، اما حکمرانی و مدیریتی مؤثر و کارآمد وجود نداشت. اکنون در آغاز زمستان سال ۱۴۰۰ نیز یک بار دیگر بارش باران شدید، باز هم مسئولان و مردم را غافلگیر کرده است. از مردم البته کار چندانی ساخته نیست، اما از مسئولان تصمیم‌گیرنده که در سطوح مختلفی از کلان تا میانی و ردیف‌های پایین‌تر حکمرانی می‌کنند، تقاضا و خواست‌ها جدی است. چون پس از هر باران از اندک تا بسیار، منبع آب طبیعی و شیرین خدادادی است که نابود می‌شود و از بین می‌رود. مردم عادی و روستاییان به زبان ساده سؤال می‌کنند آیا راهی برای حفظ این آب‌ها وجود دارد؟ آنها گاهی همراه با پرسش خود اشک می‌ریزند. چون هیچ‌کس به اندازه یک روستایی که در دورترین مناطق، سال‌های طولانی است که خشک‌سالی هست و نیست او را بر باد داده، ارزش آب را درک نمی‌کند. او می‌داند بی‌آبی چیست. چون جز هوتک‌های آلوده، به هیچ منبع آبی دیگری که پاکیزه باشد، دسترسی نداشته است. او از همان هوتکی آب می‌نوشد که بزها و گاوها و سگ‌هایش. او در هوتک ظرف و رخت می‌شوید و در همان هوتک حمام می‌کند. آنها هرگز یک توالت و حمام به شکل مرسوم که در شهرها وجود دارد، سرویس بهداشتی و خیلی چیزهای دیگر نداشته‌اند. چون آب مایه حیات و آبادانی است و چون ما شهری‌ها فکر می‌کنیم همه اینها شعار است. چون ما تقریبا در تمام زندگی، هیچ یا حداقل کمتر موقعی بوده که شیر آب خانه‌هایمان را باز کنیم و از آن آبی بیرون نیاید. چون مدیریت کلان تقریبا هماره مرکزگرا بوده و تمام توسعه و انواع امکانات مختص شهرهای بزرگ و مراکز استان بوده و شهرستان‌های دورتر به‌خصوص و مناطق روستایی دوردست به‌ویژه هرگز صدا و تصویرشان دیده و شنیده نشده است. نبود حکمرانی مؤثر است که از نعمت بارش، برای مردم، به‌ویژه مردمی با روزگار سخت، تهدید و رنج و ویرانی ایجاد می‌کند. برای مثال، در همین چند روز گذشته در استان کم‌بارش و خشکی همچون سیستان‌وبلوچستان و در بندر چابهار بارانی باریده که در ۴۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. آب تا بالاترین حد ممکن بالا آمده و معابر و خانه‌های روستایی زیادی زیر آب رفته‌اند. در سیل ۹۸ روستاییانی را دیده‌ام که اندک‌داشته‌های خود را از دست داده بودند، اما بیش از هر چیز نگران دو موضوع بودند؛ آب و آرد؛ دو قوت اصلی روستاییان فقیر. کیسه‌های آرد ۴۰کیلویی که هر ماه به قیمت دولتی به خانوارها تعلق می‌گیرد، در سیل از بین رفته بود و آنها نمی‌دانستند بچه‌های خود را چگونه می‌توانند سیر کنند و غصه دیگرشان آب بود. آنها آرزو می‌کردند توانی برای ذخیره آب می‌داشتند. چون آنها بارها و بارها مقابل چشمان گریان خود، تبخیر آب را در گرمای شدید دیده بودند. سهم آنها از این موهبت جز رنج نیست و نبوده است. پرسش این است؛ اگر این بارش در کشور دیگری با مشابهت جغرافیایی و اقلیمی همچون ایران باریده بود، آنها برای حفظ و نگهداشت این آب خدادادی چه می‌کردند؟ کشورهای توسعه‌یافته یا پیشرفته چه راهکارهایی برای حفظ آبی چنین گرانبها دارند؟ آیا آب‌ها خود به خود راهی سدها می‌شوند؟ چند درصد و چه مقدار از این بارش می‌تواند سفره‌های خالی آب‌های زیرزمینی را پر کند یا حتی اندکی قوت بخشد؟ آیا این میزان می‌تواند به هر حال جبران‌کننده رودهای خشک و سترون باشد؟ چه راهکار و مدیریتی برای جلوگیری از تبخیر آن اندیشیده شده؟ این حجم از آب کجا و چگونه قابلیت نگهداری بلندمدت خواهد داشت؟ آیا برای مثال دستگاهی برای مکش آب باران (شما بخوانید سیل) و نگهداری آن در مخازن بزرگ و مخصوص وجود دارد؟ آیا همان‌گونه که انبار سیلو برای نگهداری از غلات وجود دارد، می‌شود آب باران را نیز ذخیره کرد؟ منظور نگهداری در پشت سدها و قرارگرفتن در معرض نور مستقیم خورشید و تبخیر و ازدست‌رفتن آب نیست؛ به شکل علمی، پایدار و برای استفاده بهینه در روزهای خشک و داغ و بی‌آب. شاید عصاره و جان این کلام مدیریت و حکمرانی خوب، کارآمد، مؤثر و مفید باشد.

یادبود

گفت‌وگو با سیروس علی‌نژاد

زبان روزنامه‌نگاری الهی تکرارنشدنی بود

صدرالدین الهی روزنامه‌نگار بزرگی بود که در ۴۰ سال اخیر در ایران حضور نداشت. کمی قبل از انقلاب برای یک فرصت مطالعاتی به آمریکا رفت و با وقوع انقلاب هم در آنجا ماند. مرگ او در ۸۷ سالگی موجب شد تا بار دیگر بحث‌هایی درباره یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روزنامه‌نگاران ایرانی صورت بگیرد. به این بهانه به سراغ سیروس علی‌نژاد رفتیم. یکی از استادان حال حاضر روزنامه‌نگار و از شاگردان صدرالدین الهی.

شما تجربه همکاری با آقای دکتر الهی را داشتید؟

در فضای مطبوعاتی خیر. تا ما از دانشگاه فارغ‌التحصیل شدیم ایشان برای فرصت مطالعاتی به آمریکا رفت و بعدش هم که انقلاب شد و در آمریکا ماند. فقط در دانشگاه شاگردشان بودم.

صدرالدین الهی در دانشگاه چطور استادی بود؟

سال ۱۳۴۹ در دانشکده علوم ارتباطات شاگرد الهی بودم. الهی معلمی تکرارنشدنی بود. به خاطر اینکه از یک طرف تئوری روزنامه‌نگاری را بسیار خوب می‌دانست، در فرنگ تحصیل کرده بود و از فرانسه دکترای روزنامه‌نگاری داشت و از سوی دیگر وقتی در ۳۷ سالگی استاد ما شده بود در همه زمینه‌های مطبوعاتی کار کرده بود و تجربه داشت. به این معنی که در دوره‌ای ورزشی‌نویسی را شروع کرده بود. چیزی که همیشه هم با او مانده بود. مدتی بعد به پاورقی‌نویسی رو آورد و خدا می‌داند که در آن زمان مطالب او با چه علاقه‌ای خریده و خوانده می‌شد. بعد از آن سراغ گزارش‌نویسی رفت و گزارش‌های بسیار دقیقی ثبت کرد. اگر گزارش‌های او از دهخدا، عارف، عشقی، شهریار و امثالهم نبود شاید شناخت ما از آنها به اندازه امروز نبود. همچنین او سراغ گفت‌وگو با اهل فکر و چهره‌های سیاسی هم رفت. گفت‌وگوهای او با ناتل‌خانلری و سیدضیا از این دسته است. به هر حال او پیش از آنکه وارد دنیای آکادمیک شود و گاهی هم حین تحصیل، مشغول تجربه‌کردن همه حوزه‌های روزنامه‌نگاری بود. جالب اینکه در هر زمینه‌ای هم که فعالیت می‌کرد الگوساز می‌شد. طبیعی است که چنین چهره‌ای با این تجربه و کارنامه درخشان وقتی در ۳۷ سالگی وارد کلاس ما شد چه تأثیر شگرفی در سرنوشت ما و علاقه‌مان به این کار گذاشت.

چطور از کیهان ورزشی سر درآورد؟

او یکی از بنیان‌گذارهای کیهان ورزشی بود و در کیهان ورزشی سرمقاله‌های استخوان‌داری می‌نوشت. چیزهایی که من که اصلا به اخبار ورزشی علاقه‌ای نداشتم هم نمی‌توانستم دست از خواندنش بکشم. وقتی در المپیک ۱۹۶۰ آبِب بیکیلا از اتیوپی با پای برهنه قهرمان مسابقات دوی ماراتن شد، الهی در مقاله‌ای نوشت «آفریقا پابرهنه می‌دود» و این تنها یک مقاله ورزشی نبود، یک یادداشت سیاسی، تاریخی و اقتصادی بود درباره آفریقا و مصائب آن و بحران‌هایش که در خلال آن به قهرمانی این ستاره سیاه‌پوست هم می‌پرداخت. محتوایی که انتظار نداشتی در یک مجله ورزشی بخوانی اما الهی با آن قلم زیبایش و اطلاعات وسیعش شما را شگفت‌زده و دنبال‌کننده خودش می‌کرد.

خیلی‌ها الهی را با پاورقی‌هایش می‌شناسند و مهارتش در داستان‌نویسی. شما پاورقی‌های او را خوانده‌اید؟

همان‌طور که گفتم او سعی می‌کرد در همه حوزه‌های روزنامه‌نگاری فعالیت کند. برای همین دستی در پاورقی‌نویسی هم داشت. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ که هنوز تلویزیون به صورت جدی زندگی مردم ایران را تحت تأثیر خودش قرار نداده بود، پاورقی‌نویسی در مطبوعات بسیار رایج بود. مردم به دنبال سرگرمی بودند و در مجلات زیادی پاورقی‌نویسی برای پاسخ به این نیاز رایج شده بود. در آن زمان پاورقی‌نویسی مهارتی شده بود که نویسندگان آن زمان در مسیر یادگیری‌اش تلاش بسیار می‌کردند. حسینقلی مستعان، ذبیح‌الله منصوری و امثال اینها پاورقی‌نویس‌های مهمی بودند. همه کتاب‌های مهم ذبیح‌الله منصوری که این روزها می‌بینید، پاورقی بودند. در آن زمان الهی هم خودش را به عنوان پاورقی‌نویسی همتای آنها بدل کرده بود. در مجله تهران مصور و گاهی در مجله سپید و سیاه پاورقی می‌نوشت. سطح روزنامه‌نویسی آقای دکتر الهی فوق‌العاده بالا بود و من هنوز کسی را نمی‌شناسم که به قدر او در زمینه‌های وسیعی و در عین حال در سطح بالایی کار کرده باشد.

با این توصیفات باید صدرالدین الهی را یکی از چهره‌های مهم صنعت سرگرمی ایران بدانیم.

یکی از هنرهای او تغییر صنعت سرگرمی در ایران بود. با پدیدآوردن مجله هفتگی کیهان ورزشی او به بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای جامعه در حوزه سرگرمی پاسخ می‌داد. اما تنها در اینجا متوقف نشد؛ سراغ گزارش‌نویسی رفت و آنجا دیگر تنها موضوع سرگرمی صرف مورد نظر نبود. در آنجا سعی می‌کرد به مخاطبانش اطلاعاتی برساند و پراکنش دانش انجام دهد. وقتی درباره دهخدا می‌نوشت همه زندگی او را در همه جنبه‌ها معرفی می‌کرد و خواننده را بی‌نیاز می‌کرد. چهره‌ای بود که هم به روزنامه‌نگاری مسلط بود و هم ادبیات و این در روزنامه‌نگاران کمی جمع شده است. زبان او بهترین زبان روزنامه‌نگاری‌ای است که ما در ایران داریم. مرحوم عبدالرحمان فرامرزی روزگاری که به ما درس روزنامه‌نگاری می‌داد، می‌گفت «زبان مطبوعات زبانی است که عوام بفهمند، خواص بپسندند» و الهی دارای چنان زبانی بود. سطح علمی و دانشش از روزنامه‌نگاران دیگر هم بسیار بالاتر بود.

رابطه او با سیاست چطور بود؟ هیچ‌گاه وارد سیاست شد؟

تا جایی که خاطرم هست وارد سیاست نشد. می‌گفت من خبرنگارم و همیشه جنبه خبرنگاری را برای خودش حفظ می‌کرد. در اوایل دهه ۳۰ وضعیت احزاب در ایران بسیار جدی‌تر از الان بود. الان که حزبی وجود ندارد، ولی در آن سال‌ها مسئله احزاب بسیاری جدی بود و او هم بنا بر حرفه‌اش با آنها کار می‌کرد، ولی می‌گفت «من یاد گرفتم با احزاب کار کنم بدون اینکه وارد هیچ حزبی شوم».

سال ۲۰۲۲

پاپ خواستار پایان خشونت علیه زنان شد

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان که در مراسم نیایش سال نو در کلیسای سنت‌پیتر در واتیکان پیام خود را قرائت کرد، گفت که آزار و اذیت زنان، توهین به خداست. رهبر کاتولیک‌های جهان که در ماه مارس نهمین سال پاپ‌شدن خود را آغاز می‌کند، در پیامش گفت: کلیسا مادر است؛ کلیسا زن است؛ مادران زندگی را اعطا می‌کنند؛ زنان نگهدار جهان هستند، بیایید همه برای ارتقای مادران و محافظت از زنان بیشتر تلاش کنیم. پاپ فرانسیس افزود: چرا علیه زنان خشونت اعمال می‌شود! بس است! آسیب به زن توهین به خداست. پاپ اواسط ماه گذشته میلادی هم گفته بود خشونت خانگی «تقریبا کار شیطان» است. او از شمار زیاد زنانی که در خانه‌هایشان مورد ضرب‌وجرح و آزار قرار می‌گیرند، ابراز تأسف کرده بود. پاپ فرانسیس گفته بود: از نظر من، این کار تقریبا شیطانی است؛ زیرا از شخصی سوءاستفاده می‌کنند و آزارش می‌دهند که قدرت دفاع از خود را ندارد و تنها می‌تواند (تلاش کند) جلوی ضربات را بگیرد. او این سخنان را در برنامه‌ای که با جمعی چهارنفره حضور داشتند، مطرح کرد.

او از تعداد «بسیار بسیار زیاد» زنانی «که در خانه‌هایشان مورد ضرب و شتم و آزار قرار می‌گیرند» ابراز تأسف کرد. پاپ گفت این مسئله «تحقیرآمیز و بسیار تحقیرکننده است». او با زنی به نام جیوانا صحبت کرد که گفت با چهار فرزندش از یک خانه که در آن تحت خشونت خانگی قرار می‌گرفت، فرار کرده است. پاپ افزود زنانی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، کرامت خود را از دست نداده‌اند. او به جیوانا گفت: «من در تو عزت می‌بینم؛ زیرا اگر عزت نداشتی، اینجا نبودی» و «به تصویر مادر تبرک‌شده نگاه کن و با آن تصویر همچنان شجاع بمان». از زمان شروع همه‌گیری ویروس کرونا، پاپ فرانسیس نظرات متعددی درباره آزار خانگی ارائه کرده است.

دغدغه‌های طبیبانه

در ستایش «دزموند توتو» بزرگ‌ترین طبیب زمانه ما

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● گاه با خودم فکر می‌کنم ما چه نسلی بوده و هستیم؛ نسلی که اتفاقات بسیاری را دیده و تجربه کرده است.

نسل جدید دیگر هیچ خاطره‌ای از جنگ سرد، سقوط اتحاد جماهیر شوروی، دولت آپارتاید آفریقای جنوبی و مبارزات شگفت‌انگیز نلسون ماندلا و دزموند توتو ندارد. صدها رویداد دیگر را نیز می‌توان مثال زد که نسل ما با آن برخورد کرده و آن را تجربه کرده است. نمی‌دانم سر آخر این همه فراز و نشیب از ما چه خواهد ساخت؛ اما امیدوارم بتوانیم جهان را جای کمی بهتری برای زندگی کنیم.

به آرمان‌های بشردوستانه وفادار بمانیم و از آن مهم‌تر یاد بگیریم که بزرگوارانه به جهان و مردمانش نگاه کنیم. این چیزی است که سعی کرده‌ام از رفتار و منش و افکار نلسون ماندلا و دزموند توتو یاد بگیرم.

اسقف اعظم عالی‌جناب دزموند توتو هفته پیش درگذشت. کسی چون او آبروی جهان ما بود. در جهانی که مملو از خشونت و تبعیض است، جهانی که مردمانش به‌خاطر عقیده به زندان می‌افتند و کشته می‌شوند و از آن بدتر به وحشیانه‌ترین شکل ممکن سلاخی می‌شوند، رفتار و منش کسانی مانند

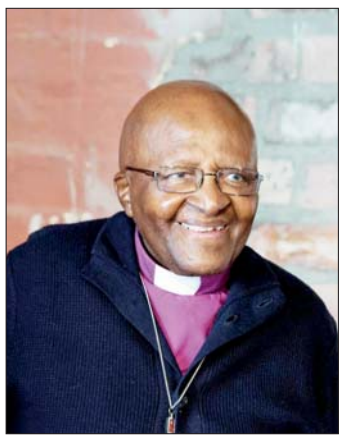

دزموند توتو به ما یادآوری می‌کند که هیچ‌چیز بالاتر از حفظ حرمت و کرامت جان آدمی نیست. تمام تلاش‌های او علیه دولت آپارتاید آفریقای جنوبی و درعین‌حال جلوگیری از خشونت علیه مردم سپیدپوست و مسئولان دولت آپارتاید پس از پیروزی مبارزات مردم آفریقای جنوبی، همه و همه در همین اصل ساده اما بسیار عمیق انسانی نهفته است که جان آدمی از هر عقیده و مرامی بالاتر بوده و هیچ‌کس نباید با هیچ بهانه‌ای اعم از رنگ پوست، نژاد، مذهب و... جان کس دیگری را تهدیدکند.

آنچه دزموند توتو و نلسون ماندلا در طول مبارزات و زندگی‌شان می‌گفتند، فقط شعارِ تنها نبود؛ تاریخ نشان داد که آنها با گوشت و استخوانشان به این مفاهیم اعتقاد داشتند و به آن عمل می‌کردند. برای همین عرض می‌کنم که کسانی مانند دزموند توتو آبروی جهان هستند.

وقتی مراودات در این جهان در تمام سطوح بر اساس سود و زیان بوده و هرکسی سعی می‌کند به نفع منافع خود یا گروهی که به آن تعلق دارد عمل کند، وجود افرادی همچون دزموند توتو می‌تواند مانند لنگرگاهی برای بازگشت خوبی و بزرگواری به روابط انسانی ما باشد؛ اینکه بزرگوارانه از کنار اشتباهات و خطاهای دیگران بگذریم، اینکه سعی کنیم چه در روابط فردی و چه اجتماعی و چه سیاسی و بین‌المللی از تنش‌ها بکاهیم و نگذاریم تنش‌ها به جایی برسد که آنچه لکه‌دار شود کرامت و حرمت جان آدمی باشد.

او تأکید می‌کرد که انسان‌ها فقط با هم می‌توانند انسان باشند. ما باید نسبت به هم بخشش، دوستی و مهربانی را یاد بگیریم. این راه، تنها راه آزادی است.

اتفاق

ایسنا: درباره مرحوم آیت‌الله محمدی‌گیلانی حاکم شرع دادگاه انقلاب، برخی به‌صراحت ادعا کرده‌اند که او دو فرزند خود را که به عضویت سازمان مجاهدین درآمده بودند، شخصا به اعدام محکوم کرده است؛ اما اصل ماجرا این است که فرزندانش در درگیری‌های سال ۱۳۶۱ سیانور خورده و کشته شدند.

بی‌بی‌سی: یک مرد چینی که بیش از ۳۰ سال پیش ربوده شده بود، پس از ترسیم نقشه‌ای از روستای دوران کودکی خود، با مادر بیولوژیکی خود ملاقات کرد. لی جینگوی تنها چهار سال داشت که او را از خانه‌اش دور کردند و به یک باند قاچاق کودکان فروختند. او و مادرش پس از آزمایش دی‌ان‌ای، به هم پیوستند.

دویچه‌وله: اولاف شولتس در نخستین پیام سال نو خود به‌عنوان صدراعظم آلمان از شهروندان خواست با انسجام و همبستگی همه اقدام‌های لازم را انجام دهند تا پیروزی نهایی در مقابله با پاندمی کرونا در سال ۲۰۲۲ ممکن شود. او شهروندان را فراخواند از هر امکانی برای دریافت واکسن استفاده کنند.

سی‌ان‌ان: جوزف چیک، مدیر پروژه «بنیاد بین‌المللی قطبی» در پی ابتلاشدن تعدادی از اعضای این پروژه به ویروس کرونا در قطب گفت: «وضعیت تکان‌دهنده نیست. به همه ساکنان ایستگاه پیشنهاد شده آنجا را ترک کنند. بااین‌حال همه آنها ابراز علاقه کرده‌اند که بمانند».

ایرنا: زنی که قلبش را در کوله‌پشتی‌اش حمل می‌کند؛ دستگاه شگفت‌انگیز ۸۶هزار پوندی که این مادر را زنده نگه داشته است. «سلوی حسین» مادر دو کودک، دومین زن در دنیاست که قلب ندارد! در صورت بروز مشکل تنها ۹۰ ثانیه فرصت دارد تا به دستگاه تعویض متصل شود.

خبرفوری: یک مادر جوان پناه‌جوی افغانستانی در مرز ایران و ترکیه بر اثر یخ‌زدگی جان باخت و دو فرزند او در آستانه مرگ بر اثر یخ‌زدگی نجات یافتند. دو فرزند هشت و ۹ساله این مادر پناه‌جوی افغانستانی نیز از سوی روستاییان محلی «بلاسور» نجات یافتند.